

فی الجهدت عشر ايام مشنوه سرخیز که در جنت است ای کی **فَتَقَفَعَهُ الذُّكْرَى** تا که سوختن
 پند و غلط آما علی مستغنی و اما آنکه تو آنکه شده است و پروای علم و ایمان ندارد فانت
 له تصدک کما یس توروی می آری و کوش بسوی میداری **وَمَا عَلَيْكَ الْاِکْرَامُ** چیست
 بر تو یعنی بر تو چه باشد اگر آن تو آنکه آن و کلان تر آن پاکیز نشوند و ایمان نیازند و نجاست
 کفر نجس نشد بر تو هیچ چیز نیست جز سبیدن ایمان و عوفان با ایشان عبد صمیم چون
 این نیز پروای آن نیست **وَأَتَا مِنْ جَاهِ الْاِسْحَاقِ** و اما آنکه تو آمدی شتافت
 یعنی آن تا پیش که بشوید تا علم آموزد از تو **وَهُوَ حَيٌّ** و او می ترسد از صدای دعا
 و قیل بی ترسد در راه وقت آمدن چون راه را نمی پند فانت عنده نلگی بی تو ای همه
 از وی روی می گردانی و بگافران و تو آنکه آن روی می آری و ایشان شغول می شوی خوش باش
 ای دروش طالب صادق که از برای پناهی بر حسیب خود بچین عتاب میکند معلوم میشود که
 لطف و کرم حضرت باری تعالی در حق قهرمان و طالبان رضا و تقای او بسیار است و بسیار
 خیر باشد بطور حجاب خلک الوده کرده از دروشتی و دوستی حضرت او باشد کجا
 نظر کن تا بکلی نشوی **نظم** تو ز ضعف خود مکن در وی نگاه بر تو شب بر روی
 برابر باش نگاه چشم وی خفته درش سباید آن **شکل** یکا روز از کاروان
 حالت او فانی را ماندگی خواب پیاد و مراد کریم **کلام** نه جانست که تو کردی

نقد

ای محمد کن مثل آنچه تو کردی **أَلَمْ يَأْتِ بِرِسَالَةٍ كَمَا آتَى قَوْمَهُ** تا که سوختن
 شمشاد فکن بس که نخواهد از قهرمان و تو آنکه آن پندیرد بقرآن و ایمان آورد و عمل کند دولت
 و سعادت یا بد و مر که بر غیر کند زبان کار باشد و از بزرگی توان جز کرد و کنت جن ملال در فی
صَحِيفًا مَكْرُمَةً این قرآن در کتابی بزرگ گردانیده شده است **مَنْ فِيهَا مِنْكُمْ** آنکه دانیده
 شده است معنی در لوح محفوظ است یا در آسمان چهارم در بیت العزّة و عت العزّة نام
 خانه است در آسمان چهارم **مُطَهَّرَةً** پاک گردانیده شده است از منافقین و دروغ
 باری **سَفَرَةً** بهرست نرسد کانت که اگر نیکو بندگ اندر حق تعالی را بگویم که نیکو کار است
 معنی نوشتن که تو از آن نوشتند و یاد گرفتند و عمل کردند و بچین رساندن قائل
 رسول الله صلی الله علیه و سلم **أَلَمْ يَأْتِ بِالْقُرْآنِ مَعَ الْكُرَامِ** یعنی هر که حاضر شد بقرآن معنی
 قرآن دان باشد با کرام برره برابر باشد از مرتبه نبی فرشتگان مقرب برابر باشد
قِيلَ لِلْاِنْسَانِ لغت کرده شده با آن آدمی **مَا الْفِرَّةُ** چه کار کرد او را بخدا تا
 مراد می گویند و بگوید تعقل مراد از این انسان معتبه پسران و حبیب است و قیسه
 او مشهور است که او را رسول صلی الله علیه و سلم بود بسفر میرفت آمد پیش رسول
 صلی الله علیه و سلم و دختر رسول را صلی الله علیه و سلم حلاق کرد و آب و بانی در روی
 رسول ساخت **لَا كُنْتُ كَمَا فَارَسْتُ** بقرآن و بسوره و البقره از اسوی رسول صلی الله
 از رسول الله علیه و سلم

از رسول الله علیه و سلم